بخش دوم و پایانی

گفتاری درباره حج از منظر عارفان

ستیز با عادت پرستی

اشاره:
پاره نخست ازگفتار حاضر روز سه شنبه انتشار یافت. دکتر آرش نراقی مؤلف این مقاله، در آن بخش با اتخاذ رویکردی تحلیلی ـ عرفانی کوشید حکمت تعبیه مناسک را در آیین های دینی بازگو کند و کارکردهای شعائر و مناسک را برشمارد. در بخش حاضر سخن مؤلف حول این نکته خواهد گشت که معانی نمادین حج چیست

گروه اندیشه

معلمان دین و عرفان به ما شیوه های مختلفی آموخته اند تا از تبدیل عبادات به عادات جلوگیری کنیم. برای مثال، گفته اند که در نمازهای خود آیات متنوعی از قرآن را بخوانید. یا محل عبادت خود را گه گاه تغییر دهید. یا گاهی با انجام مستحبات، واجبات خود را هم دل انگیزتر کنید. پاره ای از عارفان ما گوش سپردن به موسیقی و رقص و پایکوبی (سماع) را هم از شیوه های مؤثر برای طراوت بخشیدن به روح دانسته اند، طراوتی که روح سالک را در نیایشها و مناسک شرعی نیز تر و تازه نگه می دارد.

از آنچه تاکنون بیان کردم، چند قاعده کلی درباره عبادات به دست می آید:

(۱) باید میان شکل و محتوا، گوهر و صدف، وظاهر و باطن عبادات تفکیک قائل شد.

(۲) ظاهر مظهر باطن و حافظ آن است. بنابراین، ظاهر را همیشه باید خادم باطن دید.

(۳) ارزش باطن در سلوک معنوی ذات است، اما ارزش ظاهر عبادات فرعی و تبعی.

این به آن معنا نیست که ظاهر را رها کنیم؛ بلکه بدان معناست که نباید اصل را با فرع اشتباه بگیریم. ظاهر تا آنجا ارزش دارد که در خدمت باطن باشد. اگر عبادات از باطن خود تهی شوند عادت هستند نه عبادت، و به لحاظ سلوکی نه فقط سودمند و شوقآفرننده نیستند، که گاه روح سالک را پژمرده و خموده می کنند.

***

اکنون خوبست نکاتی را هم درباره معنای نمادین حج از منظر عارفان عرض کنم. در نگاه عارفان، عبادات ما، از جمله، بیانی نمادین از پاره ای حقایق دینی و معنوی است. از نظر ایشان «حج» نیز از این قاعده مستثنی نیست.

عارفان ما دو نوع حج را از هم تفکیک کرده اند: یک حج قصد کوی دوست است. این حج عوام است. یک حج میل روی دوست است. این حج خواص است. گروهی به دیدار خانه می روند و گروهی به دیدار صاحب خانه.

به تعبیر دیگر ما یک کعبه گل داریم و یک کعبه دل. کعبه گل وقتی ارزش دارد که ما را به کعبه دل برساند. کعبه گل قبله خلق است و کعبه دل تجلیگاه حق، کعبه گل خانه خداست و کعبه دل خداوند خانه است. اولی حج خانه خلیل است و دومی حج حرم جلیل. این دو حج به کلی متفاوتند. مولوی می گوید:

حج زیارت کردن خانه بود
حج رب البیت مردانه بود

به خانه خدا رفتن کار آسانی است. البته خوب هم هست؛ اما دیدار خدای خانه کاری کارستان است. به تعبیر پاره ای از عارفان، ما دو نوع حاجی داریم: پاره ای به طواف کعبه می روند و حاجی می شوند؛ گروهی کعبه به زیارت و طوافشان می آید و حاجی می شوند.

کعبه چو آمد سوی من، جانب کعبه نروم
ماه من آمد به زمین، قاصد کیوان نشوم

ویا

آن نیستی ای خواجه که کعبه به تو آید
گوید بر ما آی اگر حاجی مایی

اما معنای عبادت حج چیست؟

(۱) در مراسم حج مهمترین نماد «کعبه» است. کعبه قلب مراسم حج است. البته همه می دانیم که یکی از وجوه مهم کعبه این است که «قبله» است. این نماد به اهل ایمان مدام تذکار می دهد که زندگی دینی زندگی جهت دار است. ما آدمیان هر کدام رو به قبله های متعددی داریم. تفاوت ما انسانها در تعداد و نوع قبله ای است که برای زندگی خود برگرفته ایم. به قول مولانا:

کعبه جبریل و جانها سدره ای
قبله عبدالبطون شد سفره ای
قبله عارف بود نور وصال
قبله عقل مفلسف شد خیال
قبله زاهد بود یزدان بر
قبله مطمع بود همیان زر
قبله باطن نشینان ذوالمنن
قبله ظاهر پرستان روی زن

کعبه به نحو نمادین دو پیام اصلی را به ما گوشزد می کند:

اولاً ـ قبله خود را یکی کنید. کسی که دل در گرو هزاران محبوب نهاده و خود را بدهکار هزاران طلبکار کرده، از هزار و یک سو کشیده می شود، و در نتیجه پیش نمی رود، و در همان جا که هست می ماند. مولانا در مثنوی داستانی از مجنون نقل می کند که ناظر به همین معناست. می گوید که وقتی مجنون بر ناقه ای نشست تا به دیدار لیلی برود. این ناقه فرزندی در پس پشت داشت، و نمی توانست دوری فرزند خود را تاب بیاورد. مجنون سوار بر این ناقه تا میانه بیابان رفت. در میانه راه خواب او را در ربود، وناقه هم از این فرصت استفاده کرد و راه آمده را به سوی فرزندش بازگشت. تا مجنون بیدار شد، دوباره ناقه را به سوی لیلی راند. اما باز خواب او را در ربود و ناقه راه رفته را بازگشت. به تعبیر دیگر ما یک کعبه گل داریم و یک کعبه دل. کعبه گل قبله خلق است و کعبه دل تجلیگاه حق، کعبه گل خانه خداست و کعبه دل خداوند خانه است. اولی حج خانه خلیل است و دومی حج حرم جلیل. این دو حج به کلی متفاوتند. مولوی می گوید:

حج زیارت کردن خانه بود
حج رب البیت مردانه بود

به خانه خدا رفتن کار آسانی است. البته خوب هم هست؛ اما دیدار خدای خانه کاری کارستان است. به تعبیر مولانا، مجنون دو نوع حاجی داریم: پاره ای به طواف کعبه می روند و حاجی می شوند؛ گروهی کعبه به زیارت و طوافشان می آید و حاجی می شوند.

کعبه چو آمد سوی من، جانب کعبه نروم
ماه من آمد به زمین، قاصد کیوان نشوم

ویا

آن نیستی ای خواجه که کعبه به تو آید
گوید بر ما آی اگر حاجی مایی

اما معنای عبادت حج چیست؟

(۱) در مراسم حج مهمترین نماد «کعبه» است. کعبه قلب مراسم حج است. البته همه می دانیم که یکی از وجوه مهم کعبه این است که «قبله» است. این نماد به اهل ایمان مدام تذکار می دهد که زندگی دینی زندگی جهت دار است. ما آدمیان هر کدام رو به قبله های متعددی داریم. تفاوت ما انسانها در تعداد و نوع قبله ای است که برای زندگی خود برگرفته ایم. به قول مولانا:

کعبه جبریل و جانها سدره ای
قبله عبدالبطون شد سفره ای
قبله عارف بود نور وصال
قبله عقل مفلسف شد خیال
قبله زاهد بود یزدان بر
قبله مطمع بود همیان زر
قبله باطن نشینان ذوالمنن
قبله ظاهر پرستان روی زن

کعبه به نحو نمادین دو پیام اصلی را به ما گوشزد می کند:

اولاً ـ قبله خود را یکی کنید. کسی که دل در گرو هزاران محبوب نهاده و خود را بدهکار هزاران طلبکار کرده، از هزار و یک سو کشیده می شود، و در نتیجه پیش نمی رود، و در همان جا که هست می ماند. مولانا در مثنوی داستانی از مجنون نقل می کند که ناظر به همین معناست. می گوید که وقتی مجنون بر ناقه ای نشست تا به دیدار لیلی برود. این ناقه فرزندی در پس پشت داشت، و نمی توانست دوری فرزند خود را تاب بیاورد. مجنون سوار بر این ناقه تا میانه بیابان رفت. در میانه راه خواب او را در ربود، وناقه هم از این فرصت استفاده کرد و راه آمده را به سوی فرزندش بازگشت. تا مجنون بیدار شد، دوباره ناقه را به سوی لیلی راند. اما باز خواب او را در ربود و ناقه راه رفته را بازگشت. مولانا در مثنوی حکایت شیرینی دارد که حکایت از همین معنا می کند. می گوید که وقتی بایزید بسطامی عارف مشهور خراسان عزم سفر حج می کند و در سر راه خود، به رسم صوفیان آن روزگار در هر شهر به دیدار بزرگان و پارسایان آن دیار می شتابد. سرانجام به شهری می رسد و از پای شکسته زودتر به لیلی می رسم تا سوار بر این ناقه. در واقع، در این داستان مجنون نماد روح آدمی است که میل به بالا دارد و ناقه نماد جسم ماست که به پایین مایل است. انسانی که خود را به دست این دو طلبکار متضاد بسپارد، البته در میانه خواهد ماند:

گفت ای ناقه چو هر دو عاشقیم
ما دو ضد، پس همره نالا یقیم
این دو همره یکدگر را راهزن
گمره آن جان کو فرو ناید ز تن
جان ز هجر عرش اندر فاقه ای
تن ز عشق خار بن چون ناقه ای
جان گشاید سوی بالا بال ها
در زده تن در زمین چنگال ها

بنابراین، روحهایی که شوق به بالا دارند، باید قبله خود را واحد کنند. نماد کعبه به عنوان قبله به ما تذکار می دهد که اهل معنا باید یک دله و صاحب قبله واحد شوند.

ثانیاً ـ نماد کعبه پیام دیگری هم به ما می آموزد: زندگی سالک طریق حق باید جهت دار باشد، اما هر جهتی ما را به مقصود نمی رساند. قبله سالک طریق باید خداوند باشد. جان باید روی خود را به سوی عرش کند تا بتواند از بند فرش رهایی یابد و به وصال محبوب برسد. به همین دلیل است که کعبه به معنای دقیق کلمه نماد «توحید» است. یعنی در این عالم یک معبود و قبله بیش نیست، و آن خداوند است، و در این مرتبت هیچ محبوبی همرتبه خداوند نیست.

(۲) از سوی دیگر، کعبه «خانه خدا» نیز هست و این نکته به گمان من قلب نماد مراسم حج است. زندگی و حیات مؤمن همواره بر مرکز خداوند می گردد. کانون حیات مؤمنان خانه خداوند است. اما «خانه خدا» کجاست؟ از پیامبر بزرگوار اسلام نقل شده است که فرمود: «القلب بیت الرب»؛ خانه راستین خداوند دل آدمی است. وقتی کسی از پیامبر بزرگوار اسلام پرسید: «ای رسول خدا، خداوند را کجا بجوییم، در آسمانها یا زمین؟» و ایشان پاسخ داد: «در دل بنده مؤمن». بنابراین، کعبه نماد خانه خداست، و مطابق تعلیم پیامبر بزرگوار اسلام، خانه خداوند، دل مؤمن است. از این دو مقدمه می توان نتیجه گرفت که کعبه در حقیقت نمادی است از «دل ولیّ الهی»، دلی که از تاریکیها رسته و به نور خداوند پیوسته است.

مولانا در مثنوی حکایت شیرینی دارد که حکایت از همین معنا می کند. می گوید که وقتی بایزید بسطامی عارف مشهور خراسان عزم سفر حج می کند و در سر راه خود، به رسم صوفیان آن روزگار در هر شهر به دیدار بزرگان و پارسایان آن دیار می شتابد. سرانجام به شهری می رسد و از مردم شهر نشانی مرد حقی را می گیرد. به او می گویند که در این شهر پیر مرد بسیار پارسایی هست که زیارت او بر اهل دل واجب است. بایزید به ملاقات پیر مرد می رود و او را به حقیقت پیری نورانی و نیک سیرت می یابد که از قضای روزگار عیالوار و بسیار تنگدست است. پیرمرد از بایزید می پرسد به کجا می روی؟ بایزید می گوید قصد سفر حج دارم. پیر مرد می پرسد چه مقدار پول به همراه داری. بایزید می گوید دویست درهم. پیرمرد نگاهی به بایزید می کند و می گوید که آن پول را به من بده و هفت بار دور من بگرد، حج تو گزارده می شود! بایزید شگفت زده چنان می کند. اما از پیرمرد می پرسد من آنچه گفتی کردم ولی سرّ سخن خود را برای من آشکار بکن. پیر مرد در پاسخ به او می گوید که مگر نمی خواستی به زیارت وطواف خانه خدا بروی. دل من خانه خداوند است؛ خداوند از وقتی دل من را ساخته لحظه ای از آن بیرون نرفته است و اما از وقتی که آن خانه گلین (کعبه) را ساخته یک لحظه در آن گام نهاده است:

کعبه هر چندی که خانه بز اوست
خلقت من نیز خانه سز اوست
تا بکرد آن خانه را در وی نرفت
واندرین خانه بجز آن حی نرفت
چون مرا دیدی خدا را دیده ای
گرد کعبه صدق برگردیده ای
خدمت من طاعت وحمد خداست
تا مپنداری که حق از من جداست
چشم نیکو باز کن، در من نگر
تاببینی نور حق اندر بشر

اگر به دنبال خانه خداوند می گردی، بکوش دل صافی، عاشق و مؤمن بیابی. خانه خدا دل مؤمن است و این خانه ای است که هرگز از حضور خداوند خالی نشده است. البته به طواف خانه کعبه برو اما برای دیدن صاحب خانه. پس از منظر مولانا کعبه نماد دل مؤمن است، دلی پاک که از نور و حضور خداوند سرشار است.

(۳) شمس تبریزی نیز در مقالات شمس درباره رمز و راز مراسم حج و نیز فلسفه نماز گزاردن به سوی کعبه نکته حکیمانه و دل انگیزی آورده که با نکته مورد بحث ما کاملاً مربوط است. شمس می گوید که ما در هر گوشه عالم که باشیم رو به سوی نقطه ای واحد که کعبه باشد نماز می گزاریم. فرض کنید که شما در مسجدالحرام به نماز ایستاده اید. در اینجا همه نمازگزاران به سوی خانه کعبه نماز می گزارند. حال اگر خانه کعبه از میان برداشته شود، چه می شود؟ در این صورت خواهی دید که همه به سوی یکدیگر سجده می کنند. گویی کعبه کانونی مرکزی پدید آورده تا آدمیان از طریق این ادب دینی به یکدیگر سجده کنند و همچون فرشتگان در هنگام خلقت آدمی، آن گوهر الهی را که خداوند در وجود ما نهاده، مورد تکریم قرار دهند. بنابراین، نماز گزاردن به سوی کعبه را می توان تکریم انسان و آن روح الهی که خداوند در ما دمیده دانست. این روح یا قطره مقدس که آدمی را در خور تکریم می کند، البته «دل» آدمی است. مولانا می گوید که حج رفتن یعنی به طلب دل رفتن و حاجی یعنی طالب دل.

طواف کعبه صورت حقت بدان فرمود
که تابواسطه آن دلی بدست آری
هزار بار پیاده طواف کعبه کنی
قبول حق نشود گر دلی بیازاری
بده تو ملکت و مال و دلی به دست آور
که دل ضیا دهدت در لحد شب تاری
هزار بدره زر گیری به حضرت حق
حقت بگوید دل آر اگر به ما آری

بنابراین، حاجی در جست وجوی دل است، و سفر حج نمادی است از جست وجوی انسانی که در پی جستن دل، و صاحب دل شدن است. حاجی به نحو نمادین مجاهدت انسان را برای یافتن خانه خدا، که همانا دل دلین است، نشان می دهد. حاجی نماد سالک طریق است، نماد انسانی است که می کوشد دل گلین خود را به دل دلین بدل کند. پس در نگاه نمادین عارف سفر حج تکریم دل آگاه و حاجی طالب دل است.

اما حاجی چگونه می تواند دریابد که آیا حج او مقبول افتاده است یا نه؟ به گمان من در اینجا یک آزمون روشن برای این امر وجود دارد. حاجی برای آنکه ببیند آیا حج او مقبول بوده است یا نه، باید به خودمراجعه کند و ببیند تا چه حد قدر دل را می شناسد وآن را حرمت می نهد. اما چگونه؟ با زبه گمان من پاسخ چندان پیچیده و دشوار نیست: کسی که دل را حرمت می نهد، هرگز دل آزاری نمی کند، هرگز دل کسی را به ناروا نمی شکند. حاجی انسانی است که درشتی ها و تلخی های دیگران را می پذیرد و نرمی و شیرینی نثار می کند:

با دل خونین لب خندان بیاور همچون جام
نی گرت زخمی رسد آیی چو چنگ اندر خروش

این وصف حاجی است. حاجی مهربان است. سعدی می گوید وقتی با کاروانی از سفر حج باز می گشتم، در میانه راه میان اهل کاروان دعوا در می گیرد، و حاجیان شروع می کنند به یکدیگر بد و بیراه گفتن و به سر و روی یکدیگر کوفتن. کسی از کاروانیان که شاهد این صحنه بود، از سر تأسف سر تکان می داد، و با خود می گفت:

از من بگوی حاجی مردم گزای را
کو پوستین خلق به آزار می درد،
حاجی تونیستی، شترست از برای آنک
بیچاره خار می خورد و بار می برد

شما به حج رفتید اما آن شتری که شما را به مکه برد، حاجی شد، و شما حاجی نشدید! آن شتر آموخت که خار بخورد، دشواریها را بر خود بپذیرد، و خیرش به دیگران برسد، اما شما حاج رفتید و گستاخ تر و طمعکارتر و نا مهربان تر باز گشتید. مبادا کسی به سفر حج رود و آن هواپیما و اتوبوسی که او را به مکه می برد، حاجی شود و او حاجی نشود!

مولانا غزل زیبایی دارد که در آن لبّ تعلیم و نظر خود را درباره حج بیان می کند غزل دل انگیز او را حسن ختام گفتار خود می کنیم:

ای قوم به حج رفته کجایید کجایید
معشوق همین جاست بیایید بیایید
معشوق تو همسایه و دیوار به دیوار
در بادیه سرگشته شما در چه هوایید
گر صورت بی صورت معشوق بدیدید
هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شمایید
ده بار از آن ره بدان خانه برفتید
یکبار ازین خانه بر این بام برآیید
آن خانه لطیف است، نشان هاش بگفتید
از خواجه آن خانه نشانی بنمایید
یک دسته گل کو اگر آن باغ بدیدید؟
یک گوهر جان کو اگر از بحر خدایید؟
با اینهمه آن رنج شما گنج شما باد
افسوس که بر گنج شما، پرده شمایید.

آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب روستایی استان گیلان

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان گیلان در نظر دارد، کالاهای مشروحه ذیل را از تولیدکنندگان و فروشندگان مجاز خریداری نماید.
لذا از کلیه شرکتهای واجد شرایط دعوت می شود برای دریافت اسناد شرایط مناقصه و ارایه قیمتهای پیشنهادی به تفکیک نوع استعلام بلافاصله پس از چاپ آگهی نوبت اول و تا حداکثر ۷ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم به نشانی گیلان، رشت، خیابان امام خمینی، میدان فرهنگ، خیابان پرستار، شرکت آب و فاضلاب روستایی استان گیلان، دبیرخانه کمیسیون معاملات، به غیر از ایام تعطیل در ساعات اداری، مراجعه نمایند. ۴ روز پس از مهلت فوق از شرکت کنندگان که اسناد آنها مورد بررسی کمیته فنی قرار گرفته و امتیاز لازم را اخذ نموده اند برای بازگشایی مناقصه دعوت به عمل می آید. ضمناً به درخواستها و مدارک واصله بعد از مدت مذکور ترتیب اثر داده نمی شود.
این شرکت در رد یا قبول هر یک یا همه پیشنهادات مختار است. هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

استعلام شماره ۱۰۶/۱۳/۲۸۹ دک	استعلام شماره ۱۰۶/۱۳/۲۹۱ دک
شیر قطع و وصل ½ اینچ برنجی درجه یک (۱۱۰۰۰ عدد) شیر فلکه ½ اینچ برنجی درجه یک (۱۱۰۰۰ عدد) شیر خودکار ½ اینچ برنجی درجه یک (۱۱۰۰۰ عدد) شیر انشعاب ½ اینچ برنجی درجه یک (۱۱۰۰۰ عدد)	زانوی ۹۰ درجه گالوانیزه ½ اینچ درجه یک (۲۲۰۰۰ عدد) زانوی چپقی ۹۰ درجه گالوانیزه ½ اینچ درجه یک (۲۲۰۰۰ عدد) بوشن گالوانیزه ½ اینچ درجه یک (۱۱۰۰۰ عدد) مهره ماسوره فلزی ½ اینچ درجه یک (۱۱۰۰۰ عدد) مغزی فلزی ½ اینچ درجه یک (۱۱۰۰۰)
استعلام شماره ۱۰۶/۱۳/۲۹۰ دک	**استعلام شماره ۱۰۶/۱۳/۲۹۴ دک**
محافظ شیر قطع و وصل P.E ۷۰mm (۱۱۰۰۰ عدد) دریچه کنتور پلاستیکی ۴۰ × ۳۰ (۱۱۰۰۰ عدد)	نوار تفلون (۳۳۰۰۰ حلقه)

نشانی اینترنتی سایت شرکت آب و فاضلاب روستایی گیلان
نشانی پست الکترونیکی شرکت آبفار
شماره تلفن: ۳۲۲۱۰۵۴-۳۲۲۳۳۷۰-۰۱۳۱
WWW.GUILAN-ABFAR.IR
E-mail @Guilan-Abfar.ir

آگهی فراخوان عمومی

نوبت اول

موضوع: شناورهای مفروق در کانال خور موسی

به اطلاع کلیه مالکان شناورهای مفروقه مشخص شده در جدول ذیل می رساند چنانچه ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت سوم در جهت پاکسازی شناورهای مفروق خود به اداره حفاظت و ایمنی دریانوردی اداره کل بنادر و کشتیرانی استان خوزستان بندر امام خمینی مراجعه واقدام ننمایند، این بندر خود رأساً اقدام نموده و در مورد استیفای حقوق خود از بابت هزینه های انجام شده برای عملیات پاکسازی طبق مقررات مربوطه اقدام خواهد نمود.

ردیف	نام کشتی	نوع کشتی	سال ساخت	فرقیت	طول	عرض	موقعیت غرق
۱	ایران محبت	جنرال کارگو	۱۹۷۴	۱۱۰۱۹	۱۵۴	۲۰	29 59.45 N 49 02.92 E
۲	ایران رضوان	فله بر	۱۹۷۶	۱۰۲۰۵	۱۳۹	۲۱	29 49.16 N 49 19.83 E
۳	جامی دو	جنرال کارگو	۱۹۶۶	۱۰۴۳۰	۱۶۶	۲۳	29 59.30N 49 03.16E
۴	مونیرا	جنرال کارگو	۱۹۶۲	۴۷۲۵	۱۱۳	۱۵	29 53.88N 49 10.83E
۵	ای پی جی آمیگا	جنرال کارگو	۱۹۶۶	۱۰۹۲۵	۱۵۸	۱۲.۶	29 50.52N 49 15.66E
۶	لونیزوان	جنرال کارگو	۱۹۶۳	۱۰۸۶۳	۱۶۴	۱۳.۳	29 51.71N 49 15.66E
۷	آنتی گونی	جنرال کارگو	۱۹۶۸	۱۲۵۵۰	۱۶۱	۱۳	29 49.44N 49 19.44E

اداره کل بنادر و کشتیرانی استان خوزستان

آگهی مزایده عمومی

P.S.O.

اداره کل بنادر و کشتیرانی استان هرمزگان
اداره بندر و کشتیرانی شهید باهنر

موضوع مزایده:
واگذاری حق بهره برداری یک باب سالن غذاخوری در بندر شهید باهنر به صورت اجاره برای تهیه و فروش غذا به کارکنان موجر به میزان روزانه حدود (۳۵ پرس صبحانه، ۱۳۵ پرس ناهار، ۵۰ پرس شام) و همچنین فروش غذا به شرکتها و سایر متقاضیان آزاد.

شرایط خاص:
۱- ارایه گواهی تأیید صلاحیت از اداره کار و امور اجتماعی.
۲- ارایه قرارداد مشابه با مبلغ حداقل ماهیانه ۴۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال در سه سال اخیر و رضایت نامه حسن انجام کار از کارفرمای قبلی.

مهلت و محل دریافت و تحویل اسناد:
۱- از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۱۰ روز
۲-بندرعباس، بندر شهید باهنر، ساختمان اداری، طبقه دوم، امور حقوقی و قراردادها.
۳- مبلغ فروش اسناد: ۱۰۰/۰۰۰ ریال واریز به حساب ۹۵۰۱۳ درآمد بندر نزد بانک ملی شعبه شرکت نفت.
برای کسب اطلاعات بیشتر به محل دریافت اسناد و سایت www.Iranets.ir رجوع کنید.

آگهی فراخوان عمومی خرید برجهای فولادی خطوط ۶۳ کیلوولت

(مناقصه ۹۰ - ۸۴)

نوبت دوم

شرکت سهامی برق منطقه ای گیلان

شرکت برق منطقه ای گیلان وابسته به وزارت نیرو در نظر دارد، برجهای فولادی خطوط ۶۳ کیلوولت خود را از طریق مناقصه خریداری نماید.

۱- شرح و مشخصات اقلام: طراحی، نمونه سازی، ساخت و تحویل برجهای فولادی با کلیه متعلقات آن مطابق مشخصات فنی ارایه شده در اسناد مناقصه
۲- حدود کار: طراحی، ساخت، حمل و تخلیه در انبار
۳- مدت انجام کار: دو ماه و نیم
۴- محل تحویل: انبار شرکت برق منطقه ای گیلان واقع در آستانه اشرفیه

لذا کلیه شرکتهای داوطلب که تولیدکننده یا نماینده رسمی تولیدکنندگان این اقلام بوده و حداقل ۵ سال سابقه تولید و فروش آن را داشته باشند می توانند با ارایه معرفینامه کتبی و حداکثر تا ۵ روز پس از درج آگهی نوبت دوم برای دریافت فرم پرسشنامه ارزیابی کیفی به مهندسین مشاور روندنگار سیستم در تهران، خیابان جمالزاده شمالی، کوچه زند، شماره ۲۸، واحد ۲ تلفن ۶-۶۶۹۱۳۱۹۵-۰۲۱ مراجعه و یا از طریق سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.GiLrec.co.ir به پرسشنامه فوق دسترسی یابند و مدارک تکمیل شده را حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح روز ۸۴/۱۱/۵ به دبیرخانه این شرکت واقع در رشت، چهارراه قدس تحویل نمایند.
بدیهی است که حق شرکت برق منطقه ای گیلان در عدم دعوت از شرکتهایی که به دلایلی از قبیل عدم احراز شرایط، نقصان سوابق و امکانات و مدارک، محدودیت های مالی و کثرت قراردادهای جاری و غیره فاقد توانایی لازم برای پیش برد موضوع مناقصه تشخیص داده شوند محفوظ خواهد بود. ضمناً هزینه انتشار آگهی به عهده شرکت برنده خواهد بود.
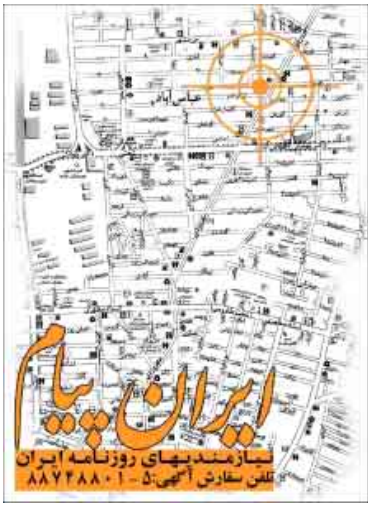
شرکت سهامی برق منطقه ای گیلان